

ادب عربی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰



10.22059/jalit.2019.279670.612055

Print ISSN: 2382-9850/Online ISSN: 2676-7627

<http://jalit.ut.ac.ir>

An Analysis of the Role of Referring Images in the Process of Decentralization in Yaghoub al-Sharoni's Children's Stories

Mojgan Bayat Kashkoli

Master's Graduate in Arabic Language and Literature, University of Zabol

Ali Asghar Habibi*

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Zabol

Abdul Basit Arab Yousefabadi

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Zabol

Received: April 21, 2019; Accepted: November 9, 2019

Abstract

Decentralization in referring images is a kind of visual decentralization in which the child makes comparisons by referring to the images after or before the current image. These comparisons distract him/her from the current image and make him/her refer to other components and dimensions of the images or text of the story. The use of visual decentralization techniques brings the child closer to the decentralization stage. In the present study, which aims to analyze and discover the role of referring images in the mental decentralization of the child, the referring visual decentralization techniques used in ten stories written by Yaghoub al-Sharoni (1931-2017) are examined. In order to achieve the goal of the research and an appropriate result, first, the techniques used in the statistical population are divided into 7 categories: image-text alignment, self-reference, two-part images, prognosis, similarity, long shot and close-up, superficiality and profundity. Then, all the images of these stories that are in line with the subject, goals and questions of the research are collected. The article tries to find out which type of referring visual decentralization has the highest frequency in the selected stories of Al-Sharoni, and what Al-Sharoni's goal was in using the techniques of referring visual decentralization in his stories. The results indicate that there are 232 cases of referring decentralization techniques in the stories, that is approximately 30 techniques in each story, which is a very high frequency. Among the techniques used, image-text alignment have the highest frequency in the stories (%40 and %28 respectively). The frequent use of the image-text alignment technique is due to the fact that it is the most appropriate and comprehensible decentralization technique for the child since it engages, dynamizes, and develops the child's mental creativity. It is also found that stimulating creativity and mental dynamism of the child, making the stories attractive through changing its usual form, preventing his/her mind from superficial perception, and making him/her discover the underlying and complex layers of the story are the main goals of Yaghoub al-Sharoni in using the referring-decentralizing images.

Keywords: Children's Stories, Visual decentralization, Referring images, Image-text alignment, Yaghoub Al-Sharoni.

*. Corresponding author: ali_habibi@uoz.ac.ir

تحلیل نقش تصاویر ارجاع‌دهنده در فرایند تمرکززدایی داستان‌های کودکانه

یعقوب شارونی*

مژگان بیات کشکولی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل

علی‌اصغر حبیبی[†]

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل

عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل

(از ص ۹۱ تا ص ۱۱۴)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۸

چکیده

تمرکززدایی در تصاویر ارجاع‌دهنده گونه‌ای از تمرکززدایی تصویری است که در آن کودک با مراجعه به تصاویر بعد یا قبل از تصویر فعلی، دست به مقایسه می‌زند و این مقایسه باعث می‌شود وی از تمرکز بر تصویر فعلی خارج شود و به اجزاء و ابعادی دیگر از تصاویر یا متن داستان، مراجعه نماید. استفاده از شگردهای تمرکززدایی تصویری سبب می‌شود کودک هرچه بیشتر به مرحله تمرکززدایی نزدیک شود. در پژوهش حاضر، با هدف واکاوی و کشف نقش تصاویر ارجاع‌دهنده در تمرکززدایی ذهنی مخاطب کودک، شگردهای تمرکززدایی ارجاع‌دهنده تصویری بکار رفته در ده داستان منتخب از یعقوب شارونی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این داستان‌ها بر اساس میزان و چگونگی استفاده از شگردها، مورد بحث قرار می‌گیرند. در راستای تحقق هدف پژوهش و دستیابی به نتیجه مناسب، ابتدا شگردهای به کار رفته در جامعه آماری به ۷ دسته هم‌ترازی متن و تصویر، خودارجاعی، تصاویر دوتکه، پیش‌آگهی، همانندی، نمای دور و نزدیک، سطحی‌نگری و ژرف‌نگری تقسیم بندی شده و در ادامه، تمام تصاویر این داستان‌ها که در راستای موضوع، اهداف و پرسش‌های پژوهش قرار می‌گیرد، گردآوری شده است. نظام و بنیان جستار پیش روی بر اساس پاسخگویی به دو سوال بنا شده است: ۱- کدام یک از انواع تمرکززدایی تصویری ارجاع‌دهنده در داستان‌های منتخب شارونی بیشترین بسامد را داشته‌است؟ ۲- هدف شارونی از کاربرد شگردهای تمرکززدایی ارجاع‌دهنده تصویری در داستان‌هایش چه بوده‌است؟ برداشت و نتیجه نهایی این پژوهش حاکی از آن است که شگردهای تمرکززدایی ارجاع‌دهنده در داستان‌های مورد بررسی با ۲۳۲ مورد و فراوانی تقریبی ۳۰ شگرد در هر داستان، از بسامد بسیار بالایی برخوردار است. از میان شگردهای بکار رفته، هم‌ترازی متن و تصویر با بسامد ۹۳ (۴۰٪) و خودارجاعی با بسامد ۶۴ (۲۸٪) بیشترین فراوانی را در داستان‌ها داشته‌اند. علت اصلی کاربرد بیشتر شگرد هم‌ترازی متن و تصویر، آن است که این شگرد مناسب‌ترین و قابل‌درک‌ترین شگرد تمرکززدایی برای کودک است که موجب درگیر نمودن، پویایی و رشد خلاقیت ذهنی کودک می‌شود. همچنین مشخص شد که ایجاد خلاقیت و پویایی ذهنی کودک، جذاب نمودن داستان‌ها با خروج از شکل رایج آن، همراهی کودک با نویسنده و خروج ذهن او از برداشت سطحی و کشف سطوح زیرین و پیچیده داستان، اصلی‌ترین اهداف یعقوب شارونی از کاربری تصاویر تمرکززدایی ارجاع‌دهنده است.

واژه‌های کلیدی: داستان‌های کودکانه، تمرکززدایی تصویری، تصاویر ارجاع‌دهنده، هم‌ترازی متن و تصویر، یعقوب شارونی.

*. این پژوهش با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه زابل با کد گرنت (پژوهانه) UOZ-GR ۰۹۴۱ انجام شده است.

ali_habibi@uoz.ac.ir

†. رایانامه نویسنده مسئول:

۱. مقدمه

یکی از مهارت‌های اساسی کودک، مهارت شناخت خود و محیط اطراف است. ادبیات کودک تأثیر مستقیمی در شناخت کودک از خود، آگاهی از ویژگی‌ها، نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها و تمایلات خود و همچنین محیط اطرافش دارد. از دیگر سو نیاز کودک به ادبیات نیز بسیار زیاد است؛ زیرا در طول زمانه و به موازات افزون‌شدن مسؤولیت‌های افراد، روش‌های زندگی نیز به سرعت تغییر می‌کند. لازم به ذکر است که آن ادبیات کودک موفق است که از یک سو خیال و عاطفه کودک را مورد خطاب قرار می‌دهد و حاوی واژگان و ساختارهای زبانی متناسب با سن و سال کودک است و از دیگر سو با الگوسازی برای کودک، او را برای زندگی در آینده‌ای روشن آماده می‌نماید. پژوهشگران این حوزه معتقدند از جمله ابزارهایی که می‌تواند در تحقق این مهم نقش‌آفرین باشد، استفاده از تکنیک‌های زبانی و تصویری است که به نوعی ساختار روتین تفکر کودک را برهم می‌زند و او را از تمرکز بر یک پدیده مألوف به پدیده‌هایی نامألوف و مبتنی بر عالم تخیلات سوق می‌دهد (مازن کامل، ۲۰۱۳: ۲۰۶).

«باتوجه به تفاوت‌های ماهیتی کودک و بزرگسال و به تبع آن تفاوت میان ادبیات کودک و بزرگسال، می‌توان گفت تمرکززدایی از جمله ارکان اصلی ادبیات کودک به شمار می‌آید» (بیات کشکولی؛ حبیبی؛ عرب یوسف آبادی: ۱۳۹۸: ۱۷۲). تمرکززدایی به‌عنوان یکی از مهمترین ابزارهای رشد ذهنی کودک، «آمیزشی از شناخت‌شناسی تکوینی و برخی از آرایه‌های ادبی و شگردهای داستان‌نویسی است که بر هم‌پوشی مفهوم کودکی و ادبیات کودک توجه دارد» (مرادپور، ۱۳۹۴: ۳۸). داستان‌های کودکانه‌ای که ویژگی بارز آن تمرکززدایی تصویری است، این امکان را برای کودک فراهم می‌آورد تا کودک نخست بر تصاویر داستان تمرکز کرده و با تکیه بر آنچه پیش از این از محیط پیرامون آموخته، در ذهن خویش انتظاری رایج از روند تصویر داشته باشد اما به‌ناگاه با مشاهده تصویر یا بُعدی متفاوت از تصورات ذهنی‌اش، برای انطباق آن با واقعیت، به صفحات پیشین یا پسین داستان مراجعه می‌کند. این نوع ارجاع که در این تحقیق به تمرکززدایی ارجاع‌دهنده نام‌گذاری می‌شود، تأثیری مستقیم در برهم‌زدن تمرکز ذهنی کودک دارد و بیش‌ازپیش دایره شناخت او را گسترش می‌دهد. از جمله شگردهای تمرکززدایی ارجاع‌دهنده تصویری می‌توان به هم‌ترازی متن و تصویر، خودارجاعی، تصاویر دوتکه، پیش‌آگهی، همانندی و نمای دور و نزدیک اشاره نمود.

در دهه‌های اخیر، ژانر ادبیات کودک و به‌ویژه داستان‌های تصویری، در ادبیات عربی از رشد چشمگیری برخوردار بوده‌است. یعقوب شارونی (۱۹۳۱-۲۰۱۷) از داستان‌نویسان سرشناس این حوزه در جهان عرب به‌شمار می‌رود که شگردهای تمرکززدایی متن و تصویر در داستان‌هایش از بسامد بالایی برخوردار است. از شارونی داستان‌ها و آثار نقدی

بی‌شماری در حوزه ادبیات کودک برجای مانده که همه آن‌ها او را به چهره‌ای شاخص در این حوزه تبدیل نموده‌است. او به واسطه این آثار به جوایز مختلفی در میان تمامی داستان‌نویسان عرب دست یافت، تا جایی که بسیاری از ناقدان ادبیات کودک، او را از جمله مهم‌ترین و پیشتازترین داستان‌نویسان کودک برشمردند (زلط، ۱۹۹۴: ۷؛ شحاته، ۱۹۹۴: ۱۳۸؛ الجوینی، ۱۹۸۵: ۵؛ معوض، ۲۰۰۷: ۸).

پژوهش پیش‌رو بر آن است تا از ره‌آورد واکاوی نقش تصاویر ارجاع‌دهنده در تمرکززدایی ده داستان منتخب یعقوب شارونی، کشف نماید که این داستان‌ها تا چه اندازه در تمرکززدایی کودک مؤثر بوده‌است. برای بررسی داده‌ها و دستیابی به نتیجه مناسب از روش تحلیل تصاویر استفاده شد و براساس شگردهای تمرکززدایی ارجاع‌دهنده، در جدول مخصوص دسته‌بندی شد تا بستری مناسب برای بررسی موضوع و محتوای آن‌ها فراهم گردد. برای عینی‌تر شدن تحلیل و امکان بررسی سنجیده‌تر، بسامد و درصد داده‌های برگرفته از داستان‌ها، اندازه‌گیری شد و به کمک آمار توصیفی و استنباطی، نتایج پژوهش تفسیر گردید.

- ۱- کدام یک از انواع تمرکززدایی تصویری ارجاع‌دهنده در داستان‌های منتخب شارونی بیشترین بسامد را داشته‌است؟
- ۲- هدف شارونی از کاربرد شگردهای تمرکززدایی ارجاع‌دهنده تصویری در داستان‌هایش چه بوده‌است؟

تاکنون پژوهش‌گران بسیاری آثار ادبی کودکانه را از منظر روان‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از آن جمله: شحاته (۱۹۹۲) در مقاله «دراسات ووثائق التناول الجرافیکی لتصميم الشخصية في قصة الطفل» تصویر و نقاشی را به‌عنوان یکی از عوامل سازنده شخصیت کودک در داستان‌های کودکانه می‌داند. نویسنده با اشاره به تصویرهایی که به‌نوعی کودک را از ساختارهای روتین و تکراری گریز داده و او را با دنیایی متفاوت آشنا می‌کند، نقطه‌نظری به بحث تمرکززدایی تصویری داشته‌است. محمد عطاء (۱۹۹۴) در کتاب «عوامل التشويق في القصة القصيرة لطفل المدرسة الابتدائية» معتقد است تنوع داستان، واژگان ساده و همچنین پیرنگ جذاب عاملی مؤثر در جذب کودک برای داستان‌خوانی است. امین القریطی (۱۹۹۵) در کتاب «مدخل إلى سيكولوجية رسوم الأطفال» با بررسی تفاوت‌های بنیادین نقاشی کودک و بزرگسال، چنین نتیجه می‌گیرد که نقاشی‌های کودکان دارای دلالت‌های روان‌شناسانه خاصی هستند که به‌عنوان وسیله‌ای جهت رفع نیازها و مشکلات کودک می‌توان از آن کمک گرفت. بروکس (۲۰۱۲) در مقاله «رسم الأطفال الصغار وتصورهم واكتشافهم للمشكلات الكبيرة» معتقد است نقاشی کشیدن در

کودک این انگیزه را ایجاد می‌کند تا آرزوهای خود را به هدف‌هایی قابل‌دستیابی تبدیل نماید.

از دیگرسو، پژوهش‌هایی نیز به بررسی متون مختلف از منظر تمرکززدایی پرداخته‌اند؛ از آن جمله: خسرونژاد (۱۳۸۲ش) در کتاب «معصومیت و تجربه» تعدادی از شگردهای تمرکززدایی را با نظر به افسانه‌های فضل‌الله مهتدی صبحی معرفی می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که در بیشتر داستان‌های کودکان، آمیزه‌ای از این شگردها دیده می‌شود. مرادپور (۱۳۹۱ش) در پایان‌نامه «شگردهای تمرکززدایی در افسانه‌های ایران: مجموعه انجوی شیرازی» به سراغ افسانه‌های ایرانی مجموعه انجوی شیرازی، بر مبنای شگردهای تمرکززدایی رفته و به این نتیجه رسیده که در کنار شگردهای رایج تمرکززدایی، شگردهای جدیدی همچون یک صحنه با دو نما، چندمجلسی و جایجایی قهرمان به‌کار رفته‌است. میرقادری و احمدیان (۱۳۹۴ش) در مقاله «بررسی تطبیقی کتاب‌های تصویری داستانی عربی و فارسی بر مبنای شگردهای تمرکززدایی» سیزده کتاب تصویری داستانی عربی و فارسی را براساس شگردهای تمرکززدایی تحلیل کرده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که نویسندگان فارسی و عربی در به‌کارگیری شگردهای تمرکززدایی بیش از پرداختن به ویژگی‌های زبانی و ادبی، به ویژگی‌های ذهنی و بصری توجه می‌کنند و همچنین رویکرد ادبی و زبانی - به‌ویژه تمرکززدایی - در کتاب‌های فارسی بیشتر از عربی است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. رویکرد نظری

پیاژه (Jean Piaget) نخستین اندیشمندی بود که از سازه تمرکززدایی برای شناساندن ویژگی‌های شناختی ذهن بشر بهره‌جست. او گمان می‌کرد این ویژگی متعلق به ذهن کودک مرحله پیش‌عملیاتی (۴-۷سال) است (Piaget, 1970: 711). در این مرحله که کودک از تفکر منطقی برخوردار نیست و به اصطلاح روان‌شناسان تمرکزگرا است (شرفاوی، ۲۰۱۲: ۱۳۲)، به‌طور ناخودآگاه «بر یک جنبه از وضعیتی ویژه تمرکز می‌کند، به همین جهت از جنبه‌های دیگر باز می‌ماند» (قاسمی، ۱۳۹۴: ۳). کودک کم‌کم به مرحله عملیاتی (۷-۱۱سال) و تلاش برای بیان واقعیت‌ها گام می‌نهد و وارد مرحله تمرکززدایی می‌شود (مازن کامل، ۲۰۱۳: ۲۰۶؛ الهی، ۱۹۹۷: ۲۸).

در بستر ادبیات، تمرکززدایی در دو سطح متن و تصویر نمود می‌یابد که سطح تصویر آن در ایجاد خلاقیت و رشد ذهنی کودک بسیار مؤثر است. ارجاع متنی و تصویری و رابطه آن با تصاویر و متن‌های دیگر از موضوعات بسیار مهم هنر و ادبیات از گذشته‌های بسیار دور است (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۲۱۲). روابط میان متن‌ها و تصاویر موجود در یک اثر

ادبی دارای دو گونهٔ اساسی درون‌نشانه‌ای (intrasemiotic) و بین‌نشانه‌ای (intersemiotics) هستند. یکی از شگردهای ادبی-هنری درون‌نشانه‌ای که در عرصهٔ ادبیات کودک بسیار مورد توجه نویسندگان این حوزه قرار گرفته‌است، شگردهای تمرکززدایی ارجاع‌دهنده است که در دو سطح متنی و تصویری قابل بررسی است. این شگرد، شکلی ویژه از انواع تمرکززدایی است که با رجوع مخاطب به تصاویر قبل یا بعد از آن، باعث زدودن تمرکز از خواننده می‌شود.

با توجه به این که ظرفیت پذیرش ذهنی کودک بیشتر برپایهٔ تصاویر و یا تلفیق متن و تصویر است (حجازی، ۱۹۹۰: ۲۴)، شگردهای ارجاع‌دهنده در داستان کودک به‌عنوان یک نظام شناختی مبتنی بر پیش‌متن‌ها و پیش‌تصاویر، غالباً در بستر تصاویر نمود یافته و مورد پذیرش کودک است. این شگردها شامل آن دسته از تصاویری در داستان است که مخاطب به‌واسطهٔ مقایسه‌کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان تصویر و مراجعه به تصاویر همسان و یا تصاویر تکراری و گاه تصاویری که جلوتر از متن می‌آیند (نیروخ، ۲۰۰۴: ۳۲)، به صفحات بعد یا قبل از آن تصویر رجوع می‌کند، در همین لحظه با فاصله‌گرفتن از تمرکز بر یک تصویر، گونه‌ای از درگیری ذهنی در او ایجاد می‌شود و این درگیری ذهنی در نهایت با تحریک ذهن کودک، منجر به پویایی ذهنی او شده و در وی تمرکززدایی ایجاد می‌نماید.

۲-۲. تصاویر ارجاع‌دهنده در فرایند تمرکززدایی داستان‌های یعقوب شارونی
شگردهای تمرکززدایی ارجاع‌دهندهٔ تصویری شامل هم‌ترازی متن و تصویر، خودارجاعی، تصاویر دوتکه، پیش‌آگهی، همانندی، نمای دور و نزدیک، سطحی‌نگری و ژرف‌نگری است که در زیر به برخی از آن‌ها با مصادیقی از داستان‌های منتخب یعقوب شارونی اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. هم‌ترازی متن و تصویر

متن و تصویر، هر یک به تنهایی می‌تواند دارای روایت‌های متفاوت باشد؛ اما زمانی که هر دو در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، هر یک دیگری را مشخص‌تر می‌سازد. بنابراین هنگامی که داستان کودک صرفاً واژه داشته باشد و کودک چیزی جز متن در مقابلش نبیند؛ عکس‌العمل وی در برابر متن داستان جز تکرار عبارت «بعد از این چه خواهد شد؟» و توجه به آیندهٔ داستان و تورق آن چیز دیگری نخواهد بود. اما اگر صفحهٔ داستان، مصور باشد، آن‌گاه این تصویر است که کودک را متوقف می‌سازد و تمرکزش را برهم می‌زند و او را وارد مرحلهٔ تمرکززدایی می‌نماید. تمرکززدایی کودک زمانی شدت می‌گیرد که نوع قاب‌بندی تصاویر داستان از حالت مألوف و همیشگی خارج شود و در

اشکال و ساختارهای متفاوتی جلوه یابد. هم‌ترازی متن و تصویر از جمله این شگردهاست که بنابر سلیقه نویسنده و تصویرگر طراحی می‌گردد. در این شگرد متن و تصویر از نظر شکل هندسی به هم شباهت دارند و یک نوع همسانی میان آن‌ها دیده می‌شود. این چینش غیرمعمول در تصویرگری باعث تمرکززدایی در کودک می‌گردد. این شگرد با بسامد ۹۳ پربسامدترین شگرد تصویری ارجاع‌دهنده (۴۰٪) در داستان‌های منتخب شارونی است. نمونه این شگرد در داستان «غفاریت نصف الیل» (۱۹۹۸: ۹) مشاهده می‌شود. در این تصویر اهالی روستا به همراه متن مربوطه، به صورت عمود نشان داده شده‌است. نقاشی متن همانند مستطیل ایستاده به تصویر کشیده شده است. مخاطب با مواجه شدن با یک روند تصویرگری جدید در صفحه‌آرایی، ذهنش درگیر آن می‌شود و به تصویر رجوع می‌کند و در این گردش ذهنی، به تمرکززدایی می‌رسد:

تصویر شماره ۱



در داستان «سر اللحیة البيضاء» (۲۰۰۵: ۳) نیز تصویری عمودی دیده می‌شود که در آن شبی از پشت پنجره سخن می‌گوید. این تصویر که بیشتر شبیه قاب عکسی عمودی است، در ابعادی مشابه توسط متن پوشش داده می‌شود. این چنین ساختار متن و تصویر بدان جهت باعث تمرکززدایی کودک می‌گردد که کودک همیشه با شیوه‌ای از تصویرگری آشناست که متن در بالای صفحه و تصویر در پایین آورده شود و یا برعکس؛ اما در این شیوه ناگهان کودک غافلگیر می‌شود. از متن به تصویر و از تصویر به متن رجوع می‌کند و همین نکته است که باعث تمرکززدایی در او می‌گردد.

تصویر شماره ۲



يُتَمَكِّي أَنْ سَيِّدَةً عَجُوزًا، كَانَتْ
تَمِيشُ فِي بَيْتِ صَغِيرٍ، قَرِيبَ غَايَةِ
كَبِيرَةٍ. وَكَانَ لِلسَّيِّدَةِ ابْنَانِ، حَمًا وَزَوْجَةً
وَزَوْجَةٌ.
وَلَمْ يَكُنْ بِالْقَرِيبِ مِنَ بَيْتِ الْأُسْرَةِ
جِيرَانٌ كَثِيرُونَ، فَكَانَتِ الْأُسْرَةُ تَقْبَلُ
مُعَظَمَ زَوَّجَتِهَا مِنْ سَخِيحَةِ خُرُوفٍ
صَغِيرٍ، وَحَمَامَةٍ بَيْضَاءَ.
وَدَاثَ صَبَاحٍ، كَانَتْ وَزْدَةٌ تَمُودُ
الْحَائِيَّ قُرْبَ الْمَوْجِدِ، وَزَوْجَتَهُ تَسْبِيلُ
أَوَائِي الْمَائِدَةِ، يَتَمَا تَقُومُ الْأُمُّ بِإِعْدَادِ
فَطِيرَةٍ مِنَ الدَّقِيقِ وَغَسَلِ الْفَتَلِ،
عِنْدَمَا ظَهَرَ قَجَافَةٌ، خَارِجَ نَائِفَةِ
الْمَطْبُخِ الْمَفْتُوحَةِ، غَنِيحَ غَسِيلِ.
وَالنَّفْتُ الثَّلَاثَةُ مِمَّا يَنْطَلِقُونَ إِلَيْهِ، لِكَيْ
الْفَيْحَ الشَّرْحَ يَتَخَيَّرَ بَعِيدًا عَنِ
النَّائِفَةِ.

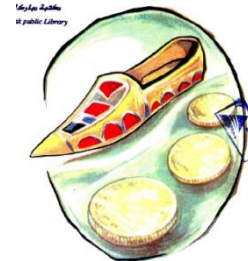
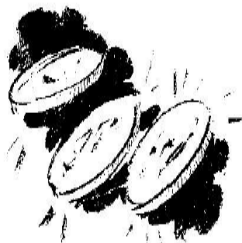
۲-۲-۲. خود ارجاعی

گاه شباهت میان تصویرهای داستان کودک و متن حالتی دیگر به خود می‌گیرد؛ بدین معنی که این تصاویر، ذهن را به سوی تصاویر دیگر داستان یا تصاویری از داستان‌های دیگر نویسنده رهنمون می‌شود و از این راه معنایی متفاوت از پیش و یا در تکمیل آن می‌آفریند. «مخاطب برای کشف معنای اثر و ارتباط میان نشانه‌ها، دائماً به تصاویر قبل و بعد رجوع می‌کند و دست به مقایسه تصویر می‌زند» (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۶). از طرفی «مخاطبان به تعداد ارجاعات، خود دارای خوانش‌های متنوعی خواهند بود» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۳۲۵). باتوجه به اینکه نظام تصویری، نظامی است که هر بیننده‌ای-و به‌طور خاص کودک- می‌تواند با شدت و ضعف با آن مرتبط شود (همان: ۲۹۹) کودک به راحتی می‌تواند شباهت‌ها و در عین حال تفاوت‌ها را درک نماید و ذهن او با نوعی پارادوکس مواجه می‌شود؛ از طرفی کشف این تناقض و ارتباط آن با کلیت داستان، موجب نوعی لذت درونی در کودک می‌شود و بر پویایی ذهن او تأثیری مثبت می‌گذارد؛ فرایندی که با ایجاد خلاقیت ذهنی در صورت‌انگاری امور متناقض موجب رشد ذهن و قوه خیال کودک می‌شود. این‌گونه تصویرپردازی که در قالب آوردن تفاوت و شباهت تصویری در کنار هم است، بیانگر آشنایی و تسلط نویسنده و تصویرپرداز داستان با اصول روان‌شناسی کودک و ذهن‌کاوی اوست. این شگرد با بسامد ۶۴ (۲۸٪) دومین شگرد پربسامد داستان‌های منتخب شارونی است.

در داستان «دنانیر لبلبة» (۲۰۰۸: ۱۹) تصویر چند سکه به‌همراه یک کفش بر روی جلد داستان و در گستره داستان در رنگ‌ها و ابعاد مختلف تکرار می‌شود. تکرارهایی که به‌صورت غیرمستقیم کودک را به تصاویر صفحات قبل و بعد ارجاع می‌دهد. کودک با مراجعه به این صفحات، میان شکل و رنگ و ابعاد سکه‌ها و کفش مقایسه می‌کند و

کم‌کم به این مسأله عادت می‌کند که برخی از تصاویر این داستان‌ها می‌تواند او را از تمرکز بر یک پدیده واحد گریز دهد و بر حوزه اندیشگانی وی بیش‌ازپیش بیفزاید.

تصویر شماره ۳



در داستان «الکسلان و تاج السلطان» (۲۰۰۷: ۳۶) تصویر چند صندوق با رنگ‌های مختلف در صفحات پشت‌سرهم تکرار می‌شود، با این تفاوت که در برخی از تصاویر چینش رنگ‌های هر صندوق و همچنین قاب‌بندی و نقوش آن‌ها تغییر می‌کند. این تکرار که حاکی از شباهت تصاویر داستان است در کنار تفاوت شکلی آن‌ها سبب می‌شود کودک به صفحات قبل و بعد مراجعه نماید و آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کند. مجموع این فرایند سبب برهم‌خوردن تمرکز کودک بر یک پدیده خاص و در نتیجه تعمق و تأمل بیشتر در جزئیات و اجزاء تصویر می‌گردد.

تصویر شماره ۴



تکرار تصاویر و تنوع آن‌ها در این داستان‌ها نمایانگر این نکته است که «محور اصلی داستان حول این تصویر می‌چرخد و دارای اهمیت است» (السويدی و عطیة، ۱۹۹۴: ۴۵)؛ لذا تصویرگر برای زدودن تمرکز مخاطب، او را به بخش‌های مختلف داستان ارجاع می‌دهد. از منظر زیبایی‌شناسی نیز «تکرار و تنوع، هم در طبیعت و هم در هنر از اصول طراحی است» (دادسون، ۱۳۹۰: ۱۵۲) و باعث پدیدآمدن ریتم بصری خوشایندی برای مخاطب می‌گردد. «تکرار با قاعده یک یا چند عنصر بصری همانند یا بسیار مشابه هم به همراه فواصل تأکیدشده یا غیر تأکیدشده، کیفیتی نظم‌یافته را در ترکیب‌بندی به وجود می‌آورد»

(پهلوان، ۱۳۸۷: ۳۶). همین نکته سبب دقت در مخاطب می‌گردد و با رجوع به تصاویر قبل و بعد از آن، به تمرکززدایی می‌رسد.

این شگرد همچنین در داستان «الصيد المسكين و المارد اللعين» (۲۰۰۴ الف: ۳۴، ۳۵) به‌هنگام تکرار زمینه‌هایی مختلف از تصاویر چند الماس و ستاره رخ می‌دهد. تصویرگر در چینش الماس‌ها و همچنین رنگ ستاره، تنوعی شکلی به بدنه داستان بخشیده‌است. در واقع این تفاوت‌هاست که هوش و ذهن کودک را به چالش می‌کشد و موجب تمرکززدایی او از یک تصویر تکراری به تصویری مشابه و در عین حال متفاوت می‌شود. مراجعه پیاپی کودک به تصاویر قبل و بعد از تصویر فعلی نیز بر این تمرکززدایی می‌افزاید.

تصویر شماره ۵



۲-۳. تصاویر دوتکه

تنوع در طراحی تصاویر داستان، نقش بسیار مؤثری در درک متن داستان‌های کودکانه دارد زیرا به‌نوعی متن و تصویر مکمل همدیگر در انتقال مفاهیم به کودک هستند. آنچه به گویایی مفهوم متن داستان و درک بهتر آن کمک می‌کند نقش تصویر است و آنچه رابطه میان متن و تصویر را به اوج می‌رساند، درک تصویرگر از حال و هوای متن است؛ چراکه تصویرگر وقتی با متنی مواجه می‌شود به‌واسطه داشتن آگاهی از علوم تصویری، احساسی را از متن می‌گیرد و با کمک تصویر به مخاطب ارائه می‌دهد. از جمله تنوع‌هایی که تصویرگر می‌توان استفاده نماید، استفاده از تصاویر دوتکه است. در این شگرد، تصاویر به دو نیم می‌شود، نیمی در یک صفحه و نیمه کامل شده آن در صفحه بعد است. مخاطب با دیدن تصاویر کامل، تمرکزش از تصاویر ناقص برداشته می‌شود و به کل صفحه می‌نگرد و در همین لحظه است که تمرکززدایی می‌گردد. این شگرد با بسامد ۲۳ (۱۰٪) سومین شگرد به‌کار رفته در داستان‌های منتخب شارونی است. نمونه این شگرد در داستان «الرحلة العجيبه لعروس النيل» (۱۹۹۴: ۲۴، ۲۵) مشهود است. در این تصویر نیمی از پری دریایی در نیمه تصویر و نیمی دیگر با پری دیگر و ماهی‌ها در صفحه بعد تکمیل می‌شود. کودک ابتدا به نیمه تصویر و سپس به کل تصویر مراجعه می‌نماید و پس از لحظاتی تعمق و تأمل، تصویر را کامل می‌کند و آن را با بافت داستان انطباق می‌دهد.

درست در همین لحظه است که کودک از تمرکز صرف و تک‌بعدی‌نگری به تمرکززدایی انتقال می‌یابد:

تصویر شماره ۶



در داستان «سر اللحیة البيضاء» (۲۰۰۵: ۲۴، ۲۵) دریاچه‌ای به تصویر کشیده شده است که قسمت اعظم آن در تصویر سمت راست دیده می‌شود و بخشی دیگر از آن در تصویر سمت چپ قرار دارد. همچنین زاویه دید شخصیت‌های تصویر/ دو دختر که در حال تماشای کوتوله ماهی گیر هستند، به گونه‌ای طراحی شده است که به مخاطب نشان می‌دهد تصویرسازی از سمت چپ به راست در حرکت است. این گونه تصویرسازی دو تکه با رویکرد پویانمایی می‌تواند در تمرکززدایی فزاینده و خلاقیت ذهنی کودک نقش آفرین باشد. «اگر دو تصویر در صفحات روبروی هم، در یک کتاب وجود داشته باشد، باید تصور کنیم که تصویر سمت چپ نشان‌دهنده حرکتی است که اول می‌آید و حتی یک تصویر، گاهی حوادثی را در سمت چپ نشان می‌دهد که باید منطقاً پیش از حوادث نشان داده شده در سمت راست همان تصویر، اتفاق افتاده باشد» (نودلمن، ۱۳۸۸: ۴). چرخش ذهن از یک صفحه به صفحه دیگر و رجوع از یک تصویر به تصویر دیگر سبب تمرکززدایی در کودک می‌شود:

تصویر شماره ۷



۲-۲-۴. پیش‌آگهی

در این شگرد نویسنده و تصویرگر تصاویری را ارائه می‌دهند که اطلاعاتی از آنچه در آینده رخ خواهد داد به خواننده القا می‌کنند. «هنگامی که خواننده با تصاویر بعدی روبرو می‌شود، ناخودآگاه حرکتی ذهنی به سمت آنچه پیش از این دیده بود، خواهد داشت» (میرقادی، ۱۳۹۴: ۱۲). درواقع این شگرد ارجاع‌دهنده تصویری به‌نوعی همان زمان‌پیشی آینده‌نگر -تصویری و متنی- است که ژنت در مقوله دیرش در زمان روایی و زمان تقویمی روایت مطرح می‌سازد. «وی هرگونه درهم‌ریختگی در ترتیب بیان وقایع و ناهماهنگی در نظم داستان و نظم متن را زمان‌پیشی می‌نامد» (Genette، ۱۹۸۰: ۴۸؛ لحمدانی، ۱۹۹۱: ۷۳) و آن را به دو نوع کلی گذشته‌نگر و آینده‌نگر تقسیم می‌کند (ریمون کنان، ۱۳۸۲: ۱۱). در دیدگاه ژنت «زمان در سخن روایی، مفهوم خود را از نظم و ترتیب حاکم بر متن می‌گیرد، نه از قراردادهای حاکم بر جهان واقعی» (عزام، ۲۰۰۵: ۱۰۳). نکته اساسی درباره زمان‌پیشی آینده‌نگر، تأثیری است که این زمان‌پیشی بر سرعت روایت در داستان می‌گذارد؛ زیرا با بیان رخداد‌های آینده در زمان حال داستان، عملاً سرعت زمان روایت افزایش یافته و خواننده زودتر به فرجام داستان می‌رسد.

بسیاری از کتب مصور، جلد‌هایی دارند که تکرار همان تصاویری است که داخل کتاب یافت می‌شود. «به نظرمی‌رسد آن تصاویر [روی جلد]، اغلب برای این انتخاب شده‌اند که ماهیت مطالب داخل کتاب را انتقال دهند و بنابراین برای ایجادکردن انتظاری مناسب با آن‌ها انتخاب شده‌اند» (نودلمن، ۱۳۸۹: ۹۱).

شگرد پیش‌آگهی که ۹٪ (بسامد ۲۱) از مجموع شگردهای ارجاع‌دهنده تصویری در داستان‌های منتخب شارونی را به خود اختصاص داده‌است، به دو نوع پیش‌آگهی تصویر با تصویر و پیش‌آگهی تصویر با متن طبقه‌بندی می‌شود.

پیش‌آگهی تصویر با تصویر: نمونه این شگرد در داستان «حسنا و الشعبان الملکی» (۲۰۰۴: ۱۳) مشهود است. بدین‌شکل که روی جلد داستان، تصویر دخترکی به نام حسنا در کنار افعی بزرگی دیده می‌شود که تکرار این تصویر با ویژگی‌ها و ساختاری مشابه و بعضاً متفاوت، در صفحه ۱۳ داستان نیز مشاهده می‌شود. مخاطب با دیدن این تصویر یک آگاهی ذهنی نسبت به آنچه در طول داستان رخ می‌دهد، خواهد داشت و با دیدن تصاویر بعدتر ناخودآگاه تمرکززا می‌شود و به تصویر قبل رجوع می‌کند. آن‌گاه که مخاطب به صفحه موردنظر داستان می‌رسد، نوعی پیش‌آگهی نسبت به موضوع پیدا می‌کند و دوباره به صفحه روی جلد مراجعه می‌کند؛ سپس تفاوت‌های موجود در هر تصویر را کشف می‌کند و از تمرکز بر ساختاری واحد، به سمت چارچوبی متفاوت و زاویه‌های دید معکوس گرایش پیدا می‌کند.

تصویر شماره ۸



در داستان «ثروة تحت الأرض» (۲۰۰۶:ب: ۴۵) نیز تصویر روی جلد بیانگر حضور اعضای خانواده‌ای است که همان تصویر با تغییرات جزئی در قاب‌بندی تصویر و فاصله قرارگرفتن افراد در کنار هم و همچنین رنگ لباس‌های آن‌ها در صفحات دیگری از داستان تکرار شده‌است. کودک با دیدن تصویر فعلی، دوباره به تصویر روی جلد مراجعه می‌کند و متوجه تغییرات جزئی میان دو تصویر می‌شود؛ لذا تمرکزش از متن و تصویر برداشته می‌شود و نخست به دنبال شباهت‌های میان دو تصویر و پس از آن، تفاوت‌های آن دو می‌گردد. درحقیقت این گردش تصاویر است که در این داستان، کودک را به مرحله تمرکززدایی سوق می‌دهد.

تصویر شماره ۹



پیش‌آگهی تصویر با متن: پیش‌انداختن تصویر بر متن در مقوله شگردهای ارجاع‌دهنده مبتنی بر دو نظام نشانه‌ای تصویری و کلامی است که منجر به آفرینش نوعی دوگانگی متن و تصویر می‌گردد؛ زیرا «نزد برخی از مخاطبان، محور اصلی خوانش، تصویر است و کلام در تکثیر و ادامه تصویر مورد توجه قرار گرفته‌است؛ اما نزد برخی دیگر برعکس است» (نامور مطلق، ۱۳۸۴: ۳۴۶)؛ این دوگانگی در فرایند خوانش متن داستان توسط کودک نیز نمود یافته و به تنش و درگیری ذهنی او میان دو مسأله متن و تصویر دامن می‌زند و منجر به پویایی ذهنی‌اش می‌شود و نهایتاً ذهن او را از تمرکز بر یک مقوله خارج نموده و موجب تمرکززدایی ذهنی در وی می‌شود. در این شیوه از

صفحه‌آرایی، قبل از این که کودک با متن ارتباط برقرار کند، از طریق تصویر به ارتباط با موضوع می‌پردازد. «این تصاویر همانند پلی برای درک محتوای اثر عمل می‌کند و قوه تخیل کودک را شکل می‌دهد و حس کنجکاوی کودک را تحریک می‌کند» (حسن پور، ۱۳۸۸: ۵۱).

مخاطب با دیدن تصویرهایی جلوتر از متن سعی می‌کند در متن وارد شود و با تخیل خودش آن را ادامه دهد و به تصویر قبل مراجعه می‌کند، همین نکته موجب تمرکز زدایی در مخاطب می‌گردد. کارکرد این شگرد در تمرکززدایی این گونه است که «مخاطب با تصویری روبرو می‌شود که متن به آن پرداخته‌است و راه حل بحرانی که پیش روی داستان است، در همین تصویر نهفته است» (میرقادی، ۱۳۹۲: ۱۹). این شگرد در تصویر صفحه ۱۱ از داستان «دنانبیر لبلبه» (۲۰۰۸) بدین شکل به کار رفته‌است که لبلبه ناگهان متوجه می‌شود سکه پولی داخل کفشش قرار داده شده است؛ اما نویسنده تقریباً چند صفحه بعد (صفحه ۱۴) در متن داستان اشاره می‌کند که لبلبه وقتی می‌خواست کفش‌هایش را بپوشد، بطور اتفاقی سکه ای را داخل آنها می‌یابد و شگفت زده می‌شود: «لَقَدْ أَحْسَسْتُ بِشَيْءٍ صُلْبٍ وَبَارِدٍ فِي حَدَائِهَا الْأَيْمَنِ، وَعِنْدَمَا تَحَسَّسْتَهُ، سَأَلْتُ نَفْسَهَا مُتَعَجِّبَةً: مَا هَذَا؟! وَكَمْ كَانَتْ دَهْشَتُهَا عِنْدَمَا نَظَرَتْ إِلَى الشَّيْءِ الَّذِي وَجَدْتُهُ... فَإِذَا بِهِ دِينَارٌ ذَهَبِيٌّ لَامِعٌ كَبِيرٌ» (همان: ۱۴). درحقیقت نویسنده با استفاده از شگرد پیش‌آگهی تصویری، قصد دارد تمرکز کودک را از متن داستان خارج کند و او را به تصویر صفحات قبل ارجاع دهد و با این امر بر تمرکززدایی وی بیفزاید.

تصویر شماره ۱۰



در این داستان شاهد به‌کارگیری مجدد این شگرد تصویری هستیم؛ آن‌گاه که نویسنده از ماجرای آماده‌شدن میز غذا توسط لبلبه و پذیرایی از مهمانان سخن می‌گوید: «أَقَامَ سَيِّدُ لَبْلَبَةَ وَ زَوْجَتُهُ وِلِيمَةً عَظِيمَةً فِي بَيْتِهِمَا الْفَآخِرِ، حَضَرَهَا أَصْدِقَاؤُهَا لِتَنَاوُلِ الطَّعَامِ» (همان: ۱۰). این در حالی است که تصویر مرتبط با این متن در چند صفحه قبلتر (صفحه ۴) آورده شده است:

تصویر شماره ۱۱



در داستان «عفاریت نصف اللیل» (۱۹۹۸) نیز تصویرگر و نویسنده از شگرد پیش‌آگهی تصویری برای تمرکززدایی کودک استفاده می‌نمایند. نویسنده ماجرای پیداشدن طلاها توسط پسر زیرکی را روایت می‌کند که موجبات خوشحالی خانواده‌اش را فراهم نموده‌است: «عَادَ حَسِينٌ یَصِیْحُ: ذَهَبٌ... أَسَاوُرٌ وَسَلَاسِلٌ مِنْ ذَهَبٍ وَخَلْخَالٌ مِنْ فِضَّةٍ!! أَحْمَدُكَ يَا رَبِّ!!» (۱۹۹۸: ۴۶). کودک به‌هنگام خواندن متن داستان، ناخودآگاه متوجه می‌شود که در صفحات پیشین تصویری در داستان قید شده‌است که مرتبط به متن حاضر است. سپس با مراجعه به تصویر (صفحه ۲) متوجه می‌شود فاصله‌ای عمیق میان متن و تصویر ایجاد شده‌است. این شکل مراجعه کودک و تعمق و تأمل در ارتباط متن و تصویر، صرفاً در راستای برهم‌زدن تمرکز کودک و وارد کردن وی به مرحله تمرکززدایی صورت پذیرفته‌است.

تصویر شماره ۱۲



۲-۲-۵. همانندی

همانندی اجزای تصاویر بدین جهت است که معانی از پیش تعیین‌شده متن برجسته شود و با شیوه‌ای تصویری، ایدئولوژی پنهان متن را به‌صورتی شمایی بازنمایی کند. در داستان‌های مصور کودک، «کودک با دیدن چند تصویر شبیه به هم در یک کادر، دست به مقایسه می‌زند» (نیروخ، ۲۰۰۴: ۳۶)، تا از این راه شباهت‌ها و تفاوت‌ها را کشف کند. درحقیقت کودک «به‌واسطه این مقایسه‌کردن از تمرکز بر اجزاء تکراری قاب تصویر

خارج می‌شود» (قاسمی، ۱۶: ۱۳۹۴) و به مرحله تمرکززدایی نزدیک می‌شود. این شگرد جزو شگردهای کم‌پسامد (۷٪) از شگردهای تمرکززدایی ارجاع‌دهنده در داستان‌های منتخب شارونی است.

در داستان «الرحلة العجیبة لعروس النیل» (۱۷: ۱۹۹۴) تصویری از پری دریایی دیده می‌شود که در اطرافش چند خانم قرار دارد که از لحاظ چهره و رنگ لباس و همچنین زاویه دید تصویری، با هم شباهت دارند؛ اما تفاوت‌های جزئی در طراحی لباس هر یک از آن‌ها قرار دارد که البته کشف آن برای کودک نیاز به تعمق و تأمل دارد. کودک با مراجعه به تک تک اجزای تصویر، دست به مقایسه می‌زند و با این کار همزمان از تمرکز بر شخصیتی واحد گریز زده و به برداشت‌های ذهنی از یک قاب تصویری دست می‌یابد. در این مرحله است که می‌توان گفت کودک به مرحله تمرکززدایی می‌رسد:

تصویر شماره ۱۳



این شگرد همچنین در داستان «الشاطر محظوظ» (۲۰۰۶ الف: ۳۲) مشاهده می‌شود. در نقطه ثقل تصویر غول بزرگی دیده می‌شود که در اطرافش چند خدمتکار با لباس‌ها و چهره و حرکات بسیار مشابه در حال پذیرایی از غول هستند. کودک با مشاهده این تصویر و مراجعه به تمام اجزای آن، تلاش می‌کند شباهت‌ها و تفاوت‌های شمایل خدمتکاران را کشف نماید و آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کند. شکل‌گرفتن مقایسه میان چند شکل و تصویر سبب تمرکززدایی کودک می‌شود:

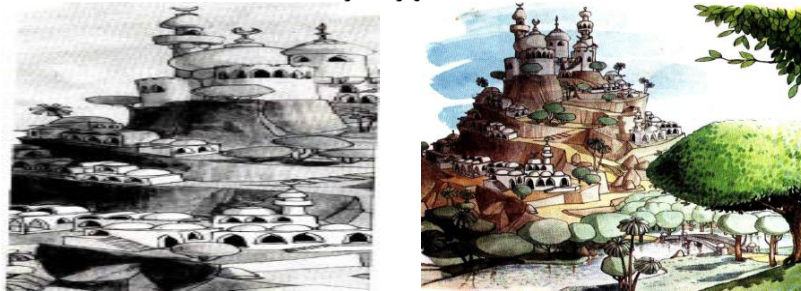
تصویر شماره ۱۴



۲-۶. نمای دور و نمای نزدیک

در داستان‌های کودک «ایجاد احساس لذت امری لازم است؛ زیرا این داستان‌ها برای کودک نوشته می‌شود» (محمود، ۲۰۰۴: ۲۸). کودک زمانی به داستان اهمیت می‌دهد که تصاویر داستان برایش دوست‌داشتنی، متنوع و درباره‌ی واقعه‌ای مشخص باشد. کودک به این ترتیب تجلی وجود خویش را در برخی از اجزای تصاویر داستان می‌بیند و همذات‌پنداری می‌کند. بنابراین «توجه به جزئیات امری ضروری است و به کمک همین جزئیات می‌توان تخیل خواننده را به کار انداخت و صفات درونی شخصیت‌ها را برای او آشکار کرد» (اسماعیلی سهی، ۱۳۷۷: ۹۷) تغییر در نمای دور و نمای نزدیک از جمله شگردهایی است که به تخیل کودک کمک می‌کند و او را در ادامه‌ی داستان دخالت می‌دهد. نمای دور و نزدیک بدین شکل است که «نخست شخصیت داستان همه‌چیز را از نزدیک ببیند و سپس با فاصله گرفتن از منظره و اشیاء را از دور ببیند و برعکس می‌تواند به مخاطب کمک کند تا نماهای گوناگونی را تجربه کند و از تمرکز بر یک نظرگاه خارج شود» (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۲۰۱). نمونه‌ی این شگرد در داستان «الشاطر محظوظ» (الف: ۲۰۰۶: ۲۳) آن جایی است که ابتدا نمایی از تصویر قصر از نزدیک نشان داده می‌شود و سپس محظوظ و دوستانش از بالا و نمایی کلی‌تر، تمام قصر را می‌بینند. کودک نخست بر یک نما تمرکز می‌کند و دیری نمی‌پاید که تمرکش از بین می‌برد و همان تصویر را از نمایی دیگر مشاهده می‌کند:

تصویر شماره ۱۵



در همین داستان (صفحه ۱۵) دو نمای متفاوت از تصویر فردی دماغ‌دراز دیده می‌شود. تصویر نخست که از نمایی نزدیک از چهره‌ی شخصیت داستان انتخاب شده است و تأکید آن بیشتر بر دماغ شخصیت داستانی و طنز نهفته در آن است و تصویر دیگر که از نمایی دورتر طراحی شده است و گویای مکانی است که فرد دماغ‌دراز در آن جا قرار دارد و به افق خیره شده است. تأکید تصویر نمای دور بیشتر بر موقعیت و رفتار فکورانۀ این شخصیت است. کودک با دیدن تصویرهای متعدد از یک موضوع آشنا شده و

به‌دنبال کامل‌شدن تصویر می‌گردد. مراجعهٔ پیاپی کودک از تصویر نمای دور به نمای نزدیک نشان می‌دهد که نویسنده و تصویرگر در تمرکززدایی کودک موفق عمل نمودند:

تصویر شمارهٔ ۱۶

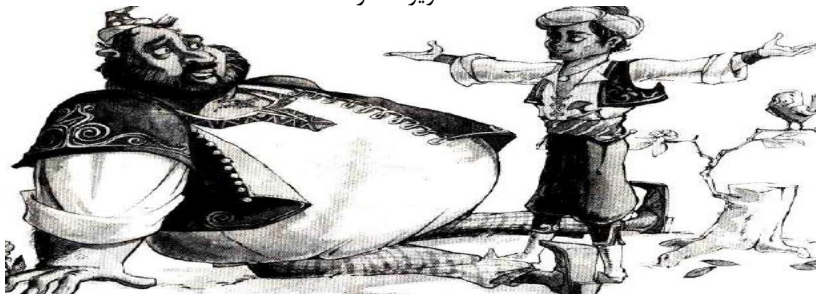


۲-۲-۷. سطحی‌نگری و ژرف‌نگری

در داستان‌های مصور کودک تلاش بر آن است تا علاوه بر این‌که خط سیر داستان، در زمان مشاهدهٔ تصاویر برای کودک رخ می‌دهد (الزمیتی، ۲۰۱۳: ۸۳۱)؛ در زمان توصیف اتفاقات با پیوند دقیق اجزای تصویر، «زمان درک اثر برای کودک طولانی‌تر می‌شود. برخی روایت‌ها با توصیف جزئی از صحنه، درکی سطحی از ماجرا را برای مخاطب پدید می‌آورند؛ سپس «با کامل‌کردن صحنه، مخاطب را به سوی درکی درست از صحنه هدایت می‌کنند» (مرداپور، ۱۳۹۴: ۱۹).

نمونهٔ این شگرد در داستان «الشاطر محظوظ» مشاهده می‌شود. نویسنده، صحنهٔ برخورد محظوظ با فردی بسیار تنومند و چاق را روایت می‌کند که در نظر محظوظ همچون تپه‌ای مرتفع جلوه می‌کند: «فَلَا حَظَّ شَيْئاً غَرِيباً... كَانَتْ قِمَّتُهُ تَرْتَفِعُ وَتَنْخَفِضُ بِانْتِظَامٍ كَأَنَّهَا شَخْصٌ يَتَنَفَّسُ وَسَرْعَانَ مَا وَجَدَ مُحْظُوظٌ نَفْسَهُ أَمَامَ رَجُلٍ هَائِلٍ، يَسْتَلْقِي نَائِماً عَلَى ظَهْرِهِ... رَجُلٌ بَدِينٍ جَدًّا، حَتَّى إِنَّ بَطْنَهُ الضَّخْمَ ظَهَرَ مِنْ بَعِيدٍ كَأَنَّهُ تَلٌّ صَغِيرٌ» (۲۰۰۶: ۱۰). نویسنده در این نمونه هم‌سو با درک سطحی قهرمان، نخست برای کودک صحنه‌ای از شکم مرد را به تصویر می‌کشد و مخاطب را بر نقطه‌ای متمرکز می‌کند و سپس خود، این تمرکز را بر هم می‌ریزد و با توصیف کامل شکم مرد و با آشکارکردن کل ماجرا برای کودک و حرکت ذهن او از سطح به ژرفا کمک می‌کند. آگاهی پیشین مخاطب در این شگرد تأثیری ندارد، در این جا نخست کودک را بر نقطه‌ای متمرکز و سپس با آشکارشدن ناگهانی کل صحنه و رجوع به تصویر قبل او را به تمرکززدایی سوق می‌دهد.

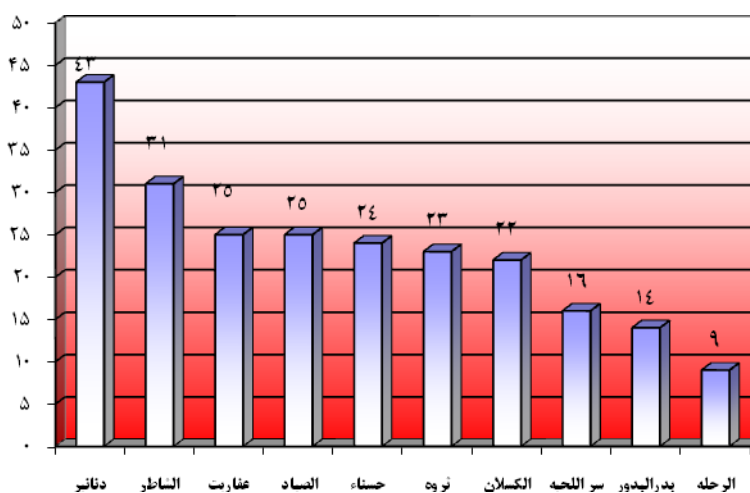
تصویر شماره ۱۷



جدول بسامد شگردهای تمرکزذایی ارجاع‌دهنده تصویری در داستان‌های یعقوب شارونی

مجموع	سطحی نگری و ژرف نگری	نمای دور و نزدیک	همانندی	پیش‌آگهی	تصاویر دو تکه	خودارجاعی	هم‌ترازی	بسامد
۲۳۲	۳	۱۰	۱۸	۲۱	۲۳	۶۴	۹۳	
۱۰۰٪	۱٪	۵٪	۷٪	۹٪	۱۰٪	۲۸٪	۴۰٪	درصد

نمودار شگردهای تمرکزذایی ارجاع‌دهنده تصویری در داستان‌های کودکان یعقوب شارونی



۳. نتیجه

بررسی آماری شگردهای تمرکززدایی در تصاویر ارجاع‌دهنده در داستان‌های یعقوب شارونی (۱۰ داستان) نشان می‌دهد که بسامد این شگردها بسیار بالاست (۲۳۲ مورد)؛ به‌طوری‌که میزان فراوانی آن‌ها در هر داستان، تقریباً ۳۰ شگرد است. این بسامد قابل‌ملاحظه، نشانگر توجه نویسنده و تصویرگر به تأثیر شگردهای تمرکززدایی در پویایی داستان‌های کودکانه است.

در پاسخ به سؤال اول پژوهش باید گفت: به‌ترتیب هم‌ترازی متن و تصویر با بسامد ۹۳٪ (۴۰٪) و خودارجاعی با بسامد ۶۴٪ (۲۸٪) بیشترین فراوانی را در تصاویر ارجاع‌دهنده به خود اختصاص داده‌است. پیرامون علت بسامد بالای شگرد هم‌ترازی متن و تصویر می‌توان گفت شارونی و تصویرگر با آگاهی نسبت به ساختار نه‌چندان پیچیده ذهن کودک، از شگرد هم‌ترازی متن و تصویر به‌عنوان ساده‌ترین و قابل‌درک‌ترین شگرد تمرکززدایی برای درگیرکردن و پویایی ذهن کودک بیشترین استفاده را نموده‌اند. در ارتباط با بسامد شگرد خودارجاعی نیز می‌توان گفت، از سویی ذهن کودک به‌صورت بالقوه از توانایی بالایی در درک شباهت‌ها و تفاوت‌های نظام تصویری داستان برخوردار است؛ و از دیگری به‌واسطه کشف پارادوکس موجود میان ارجاعات تصویری داستان، نوعی لذت درونی و پویایی ذهنی در وی پدید می‌آید. شارونی در داستان‌هایش به این مسأله واقف بوده و به‌همین جهت از این شگرد به بهترین شکل استفاده نمود.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، از مهم‌ترین اهداف شارونی در کاربرد تصاویر تمرکززدایی ارجاع‌دهنده، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ایجاد خلاقیت ذهنی در کودک، خلق جذابیت روایی با خروج از شکل مألوف و تکراری داستان، هیجان‌انگیزی کودک به واسطه کاربرد عناصر تمرکززدا، پویایی ذهنی کودک به‌واسطه کشف روابط میان تصاویر و ارجاع آن‌ها به یکدیگر، همراه کردن کودک با نویسنده در روند روایتگری و درک روایت و در نهایت خروج ذهن کودک از برداشت‌های سطحی و اولیه متن و تصویر و آشناسازی او با سطوح زیرین و پیچیده تر داستان.

منابع

اسماعیلی سہی، مرتضی (۱۳۷۷)، «زنجیره و پیوستگی تصاویر کمیک استریپ»، نقد سینما، ش ۱۴، صص ۹۶-۱۰۷.

بیات کشکولی، مژگان، حبیبی، علی اصغر، عرب یوسف آبادی، عبدالباسط (۱۳۹۸)، «بررسی شگردهای تمرکززدایی انتظارشکن در تصاویر داستان‌های کودکانه‌ی یعقوب شارونی»، نقد ادب معاصر عربی، سال نهم، ش ۱۷، صص ۱۷۱-۲۰۲.

پهلوان، فهیمه (۱۳۸۷)، ارتباط تصویری از چشم‌انداز نشانه‌شناسی، تهران: دانشگاه هنر.

جنيت، جبرار (١٩٩٧) خطاب الحكاية بحث في المنه، ترجمة: محمد معتصم وآخرون، ط ٢، القاهرة، المجلس الأعلى للثقافة.

الجويني، مصطفى (١٩٨٥)، حول أدب الأطفال، القاهرة: دارالمعارف.

حجازي، مصطفى (١٩٩٠)، ثقافة الطفل العربي بين التغريب والأصالة، الرباط: منشورات المجلس القومي للثقافة العربية.

حسن پور، محسن (١٣٨٨)، تصويرسازی، تهران: فاطمی.

خسرونزاد، مرتضى (١٣٨٢)، معصومیت و تجربیه: درآمدی بر فلسفه ادبیات کودك، تهران: مركز.

دادسون، برت (١٣٩٠)، كلیدهای طراحی، ترجمه عربعلی شروه، تهران: يساولی.

ريمون كنان، شلومیت (١٣٨٢)، «مؤلفه‌های زمان در روایت»، ترجمه ابوالفضل حرى، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، هنر، سال ٢١، ش ٥٣، صص ١-١٩.

زلط، أحمد (١٩٩٤)، أدب الطفولة: أصوله ومفاهيمه، القاهرة: الشركة العربية للنشر والتوزيع.

الزميتي، أماني كمال (٢٠١٣)، «استخدام القصة المصورة في تدريس القواعد اللغوية وأثرها في تنمية التحصيل

لدى تلاميذ الصف الرابع الابتدائي»، مجلة كلية التربية، السنة ٣، العدد ١٤، صص ٨٣٨-٨١٤.

السويدى، وضحي على، عطية، محسن محمد (١٩٩٤)، «الدلالات الفنية والتعبيرية لمضمون قصة أصحاب الفيل في رسوم عينة من أطفال الصفين الأول والثالث الابتدائيين بالمدارس القطرية»، حوكية كلية التربية، العدد

١١، صص ٢١٤-٢٨٣.

الشاروني، يعقوب (١٩٩٤)، الرحلة العجيبة لعروس النيل، القاهرة: دارالمعارف.

_____ (١٩٩٨)، عفاريت نصف الليل، القاهرة: دارالمعارف.

_____ (٢٠٠٤ الف)، الصياد المسكين والمارد اللعين، القاهرة: دارالمعارف.

_____ (٢٠٠٤ ب)، حسناء والثعبان الملكى، القاهرة: دارالمعارف.

_____ (٢٠٠٥)، سر اللحية البيضاء، القاهرة: دارالمعارف.

_____ (٢٠٠٦ الف)، الشاطر محظوظ، القاهرة: دارالمعارف.

_____ (٢٠٠٦ ب)، ثروة تحت الأرض، القاهرة: دارالمعارف.

_____ (٢٠٠٧)، الكسلان وتاج السلطان، القاهرة: دارالمعارف.

_____ (٢٠٠٨)، دنائير ليلية، القاهرة: دارالمعارف.

شحاتة، حسن (١٩٩٤)، أدب الطفل العربي: دراسات وبحوث، القاهرة: الدار المصرية، ط ٣.

شرفاوي، حاج عبو (٢٠١٢)، «علاقة البنية المعرفية الافتراضية بالبنية المعرفية الملاحظة: دراسة تحليلية فى ضوء نظرية بياجيه»، جامعة وهران، كلية العلوم الاجتماعية قسم علم النفس.

عزام، محمد (٢٠٠٥)، شعرية الخطاب السردى، دمشق: اتحاد كتاب العرب، ط ٢.

قاسمى، سمانه (١٣٩٤)، «شكردهاى تمرکزدايى در تصوير و برهم کنش متن و تصوير در کتابهاى تصويرى»، مطالعات ادبيات كودك، سال ٦، ش ٣، صص ١٢٣-١٥٠.

لحمدانى، حميد (١٩٩١)، بنية النص السردى من منظور النقد الأدبي، بيروت: المركز الثقافي العربي.

مازن كامل، مها (٢٠١٣)، «التعبير الفنى فى مرحلة المدرك الشكلى عند الأطفال وعلاقته ببعض المتغيرات»، مجلة الأستاذ، العدد ٢٠٥، صص ١٩٩-٢١٨.

- محمود، منال (۲۰۰۴)، «فعالیت استفاده از تصویر المصوّرة في إكساب أطفال مرحلة ما قبل المدرسة بعض المفاهيم الخلقية والاجتماعية»، جامعة أسيوط، رسالة الماجستير في علم التربية.
- مرادپور، ندا (۱۳۹۴)، «شگردهای تمرکززدایی در افسانه‌های ایران: مجموعه انجوی شیرازی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- معوّض، محمد فرید (۲۰۰۷)، *أفراح وأحزان طفل هذا الزمان*، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- میرقادری، بشری السادات، احمدیان، حمید (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی کتاب‌های تصویری داستانی عربی و فارسی بر مبنای شگردهای تمرکززدایی»، *مطالعات ادبیات کودک*، سال ۶، ش ۳، صص ۱۷۴-۱۵۱.
- نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۴)، *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*، تهران: سخن.
- نودلمن، پری (۱۳۸۸)، «دلالات تصاویر بر وقایع و تأثیر توالی تصاویر بر معنا»، ترجمه بنفشه عرفانیان، *کتاب ماه کودک و نوجوان*، ش ۱۴۲، صص ۵۸-۶۷.
- _____ (۱۳۸۹)، «پیوند واژگان و تصویر»، ترجمه بنفشه عرفانیان، *کتاب ماه کودک و نوجوان*، ش ۱۴۷، صص ۸۹-۹۵.
- نیروخ، سمیرا (۲۰۰۴)، «تذوق الأدب المصوّر ونفاذه إلى عقل وقلب الطفل»، *الكرمة*، العدد ۴، صص ۲۹-۵.

الهیتی، هادی نعمان (۱۹۹۷)، *أدب الأطفال: فلسفته، فنونه، وسائطه*، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

Piaget, J. (1970). Piaget's Theory. In L. Carmichael, *Manual of Child Psychology* (Vol. 1, pp. 703-732). New York: John Wiley and Sons.

References

- Azzam, M. (2005) *Poetry of Narrative Discourse* (2nd ed.). Damascus: Arab Writers Union. [In Arabic].
- Bayat Kashkoli, M., Habibi, A. A., & Arab Yousefabadi, A. (2019). The Study of Anticipatory Decentralization Techniques in the Child Stories of Yaghoub al-Sharouni". *Critique of Contemporary Arabic Literature*, 9(17), 171-202. [In Persian].
- Dodson, B. (2011). *Keys to Drawing* (A. Sharvah, Trans.) Tehran: Yasavoli Publishing. [In Persian].
- Ghasemi, S. (2015). Decentralization Techniques in Image and the Relationship between Text and Image in Picture Books. *Journal of Children's Literature Studies*, 6(3), 123-150. [In Persian].
- Genette, G. (1997). *Story Discourse: A Study of Method* (2nd ed.). (M. Moatasem et al., Trans.) Cairo: High Council of Culture. [In Arabic].
- Hassanpour, M. (2009). *Illustration*. Tehran: Fatemi. [In Persian].
- Hejazi, M. (1990). *Child Culture between Westernization and Originality*. Rabat: Arab National Cultural Assembly. [In Arabic].
- Al-Hiti, H. N. (1997). *Children's Literature: Its Philosophy, Its Arts, Its Tools*. Cairo: Egyptian General Book Association. [In Arabic].
- Ismaili Sohei, M. (1998). Coherence of Funny Strip Images. *Cinema Criticism*, No. 14, 96-107. [In Arabic].
- Al-Jowini, M. (1985) *The Study of Children's Literature*. Cairo: Dar al-Ma'arif. [In Arabic].

- Khosronejad, M. (2003). *Innocence and Experience: An Introduction to the Philosophy of Children's Literature*. Tehran: Center. [In Persian].
- Lahamdani, H. (1991). *The Structure of Narrative Text from the Perspective of Literary Criticism*. Beirut: Arabic Cultural Center. [In Arabic].
- Mahmoud, M. (2004). *The Dynamics of Visual Story Communication in the Perception of Some Moral and Social Concepts by Preschool Children* (Master's thesis). Asyut University. [In Arabic].
- Mazen Kamel, M. (2013). Artistic Expression in the Stage of Child Visual Perception and Its Relationship with Some Variables. *Ostad Magazine*, No. 205, 199-218. [In Arabic].
- Mirqaderi, B. S., & Ahmadian, H. (2015). A Comparative Study of Arabic and Persian Picture Books Based on Decentralization Techniques. *Studies of Children's Literature*, 6(3), 151-174. [In Persian].
- Moawad, M. F. (2007). *The Joys and Sorrows of the Child of the Present Age*. Cairo: Egyptian General Book Association. [In Arabic].
- Moradpour, N. (2015). *Decentralization Methods in Iranian Myths: Shirazi Anjavi Collection* (Master's thesis). Shiraz University. [In Persian].
- Namvar Motlagh, B. (2015). *Introduction to Intertextuality: Theories and Applications*. Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Nirokh, S. (2004). "The Pleasure of Visual Literature and Its Influence on the Child's Mind and Heart" Cairo: *Al-Karama*, No. 4, pp. 29-50 [In Arabic].
- Nodelman, P. (2009). The Implication of Images on Events and the Impact of Continuous Images on Meaning. (B. Erfanian, Trans.) *Book of the Month for Children and Adolescents*, No. 142, 58-67. [In Persian].
- (2010). The Relationship between Text and Image. (B. Erfanian, Trans.), Tehran: *Book of the Month for Children and Adolescents*, No. 147, 95-89. [In Persian].
- Pahlavan, F. (2008). *Visual Communication in Terms of Semiotics*. Tehran: University of Arts. [In Persian].
- Piaget, J. (1970). Piaget's Theory. In L. Carmichael, *Manual of Child Psychology* (Vol. 1, pp. 703-732). New York: John Wiley and Sons.
- Raymond Kenan, S. (2003). Components of Time in Narration. (A. Harri, Trans.) Ministry of Culture and Islamic Guidance, *Art*, 21(53), 1-19. [In Persian].
- Shahhata, H. (1994). *Arabic Literature for Children: Study and Research* (3rd ed.). Cairo: Egyptian Publications. [In Arabic].
- Sharafavi, H. A. (2012). *The Relationship between Hypothetical Cognitive Structure and Real Cognitive Structure: A Research Study in Piaget Theory*. University of Oran: Faculty of Social Sciences, Department of Psychology. [In Arabic].
- Al-Sharuni, Y. (1994). *The Strange Journey of the Nile Bride*. Cairo: Dar al-Maaref. [In Arabic].
- (1998). *Midnight Elves*. Cairo: Encyclopedia. [In Arabic].
- (2004). *Beautiful Girl and King Snake* (3rd ed.). Cairo: Dar al-Maaref. [In Arabic].
- (2004) *The Poor Hunter and the Ugly Giant*. Cairo: Encyclopedia. [In Arabic].
- (2005). *The Secret of White Beard*. Cairo: Encyclopedia. [In Arabic].
- (2006). *Successful Shater*. Cairo: Dar al-Maaref. [In Arabic].
- (2006). *Underground Wealth*. Cairo: Encyclopedia. [In Arabic].

- (2007). *Lazy and the Crown of the King*. Cairo: Dar al-Maaref. [In Arabic].
- (2008) *Money on the Lablabah*. Cairo: Encyclopedia. [In Arabic].
- Al-Suwaidi, W. A., & Atieh, M. M. (1994). Artistic and Expressive Signs of the Concept of the Story of Elephant Companions in the Paintings of First and Third Grade in Qatar Elementary Schools. *Journal of the Faculty of Physical Education*, No. 11, 214-283. [In Arabic].
- Zalt, A. (1994). *Children's Literature: Its Rules and Concepts*. Cairo: Arab Publishing and Distribution Company. [In Arabic].
- Al-Zamiti, A. K. (2013). Application of Visual Story in Teaching the Rules of Arabic Language and Its Impact on the Growth of Education among Fourth Grade Students. *Journal of the Faculty of Educational Sciences*, 3(14), 814-838. [In Arabic].